

شناخت، رفتار، یادگیری

بررسی زیرنظام تربیت بدنی در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

جواد سلیمانی^۱، رضا صابونچی^۲، محمد نیکروان^۳

۱. گروه تربیت بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: r.saboonchi@iaub.ac.ir

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

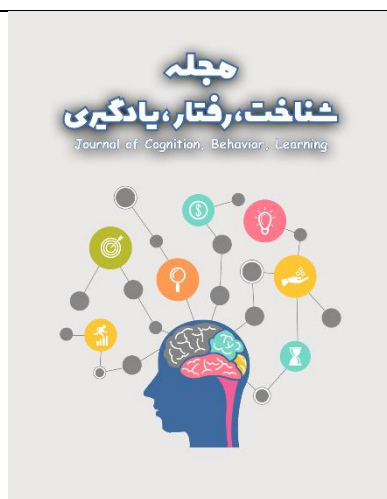
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

چکیده

هدف پژوهش بررسی عمیق جایگاه، چالش‌ها و سازوکارهای تحقق زیرنظام تربیت بدنی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. این پژوهش کیفی با روش تحلیل مضمون اجرا شد. شرکت‌کنندگان شامل ۱۲ نفر از خبرگان تعلیم و تربیت، متخصصان تربیت بدنی، اعضای کمیته تدوین سند تحول بنیادین و مدیران ارشد آموزش و پرورش بودند که با نمونه‌گیری هدفمند به شیوه گلوله‌برفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری و با رویکرد قیاسی-ستقرایی تحلیل شدند. کدگذاری باز، استخراج مضامین اصلی و فرعی، و مفهوم‌سازی نهایی در سه سطح مفهومی انجام گرفت تا مدل تحلیلی زیرنظام تربیت بدنی تدوین شود. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۱۰ مضمون اصلی و ۳۰ مضمون فرعی شد که در قالب چهار مفهوم کلیدی شامل «نظام مفهومی-ارزشی»، «زیرساخت نهادی و اجرایی»، «عامل انسانی و کنشگر حرفه‌ای» و «سازوکار تحول ساز» سازمان‌دهی شدند. نتایج نشان داد نارسایی‌های مفهومی، کمبود منابع، ضعف هماهنگی نهادی، بی‌انگیزگی معلمان، نبود شاخص‌های ارزشیابی ساخت‌محور و فقدان سیاست‌گذاری یکپارچه مهم‌ترین موانع تحقق اهداف سند هستند. همچنین تحلیل‌های استنباطی نشان داد که میان سطح نظری سند و سطح اجرای مدرسه فاصله معنادار وجود دارد و تحقق اهداف تربیت بدنی مشروط به بازمهندسی ساختار اجرایی، تقویت زیرساخت‌ها و بازتعریف نقش معلمان است. یافته‌ها تأکید می‌کنند که جایگاه تربیت بدنی در سند تحول بنیادین با چالش‌های ساختاری، مفهومی و اجرایی روبه‌روست و برای تحقق اهداف سند، نیاز به تدوین سیاست تخصصی، ارتقای حرفه‌ای معلمان، اصلاح نظام ارزشیابی و ایجاد زیرساخت‌های پایدار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: تربیت بدنی، سند تحول بنیادین، تحلیل مضمون، زیرنظام آموزشی، آموزش و پرورش



شیوه استناددهی: سلیمانی، جواد، صابونچی، رضا، و نیکروان، محمد (۱۴۰۵). بررسی زیرنظام تربیت بدنی در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *شناخت، رفتار، یادگیری*، ۳(۱)، ۱-۱۵.



Cognition, Behavior, Learning

An Analysis of the Physical Education Subsystem within the Framework of the Iranian Fundamental Reform Document of Education

Javad Soleymani¹, Reza Sabounchi^{1*}, Mohammad Nikravan¹

1. Department of Physical Education, Bo.C., Islamic Azad University, Boroujerd, Iran

*Corresponding Author's Email: r.saboonchi@iaub.ac.ir

Submit Date: 2025-05-09

Revise Date: 2025-09-07

Accept Date: 2025-11-17

Publish Date: 2026-03-21

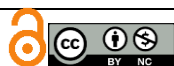
Abstract

This study aimed to examine the status, challenges, and mechanisms of realizing the Physical Education subsystem within the Fundamental Reform Document of Education. This qualitative study employed a thematic analysis approach. Twelve experts—including senior policymakers, Physical Education specialists, members of the reform document drafting committee, and university faculty—were selected through purposive snowball sampling. Data were collected via semi-structured interviews and analyzed using an inductive–deductive coding process involving open coding, theme development, and conceptual modeling. The final model was structured across three analytical levels to capture systemic, conceptual, and operational dimensions. Inferential analysis identified ten main themes and thirty subthemes categorized into four overarching concepts: the conceptual–value system, institutional and structural infrastructure, human professional agency, and transformational mechanisms. Results indicated major barriers such as conceptual ambiguity, inadequate resources, weak inter-institutional coordination, low teacher motivation, absence of localized assessment indicators, and fragmented governance. Additionally, inferential synthesis revealed a significant gap between the document's theoretical aspirations and its operational implementation in schools. Realization of the Physical Education goals was found to be conditional upon restructuring policy support, strengthening institutional capacity, upgrading professional competencies, and redesigning the assessment framework. The findings underscore that the Physical Education subsystem suffers from structural, conceptual, and managerial deficiencies, and that effective realization of the reform document's objectives requires a specialized policy framework, enhanced professional development, improved evaluation systems, and sustainable infrastructural support.

Keywords: *Physical Education, Fundamental Reform Document, thematic analysis, educational subsystem, Iranian education system*



How to cite: Soleymani, J., Sabounchi, R., Nikravan, M. (2026). An Analysis of the Physical Education Subsystem within the Framework of the Iranian Fundamental Reform Document of Education. *Cognition, Behavior, Learning*, 3(1), 1-15.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

تربیت‌بدنی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ساحت‌های تربیتی در نظام‌های آموزشی جهان، نقش محوری در پرورش متوازن دانش‌آموزان ایفا می‌کند؛ نقشی که نه تنها محدود به تقویت ابعاد جسمانی فراگیران نیست، بلکه بر شکل‌گیری مهارت‌های روانی، اجتماعی، شناختی و اخلاقی نیز تأثیری بنیادین دارد. در ایران، اهمیت تربیت‌بدنی از منظر اسناد بالادستی به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان نقشه راه تحول نظام تعلیم و تربیت نسل جدید، بارها مورد تأکید قرار گرفته است. سند تحول بنیادین، تربیت‌بدنی را جزئی از «ساحت زیستی-بدنی» دانسته و شاکله رشد هماهنگ و همه‌جانبه دانش‌آموزان را متکی بر تقویت ابعاد جسمانی، ارتقای سلامت روانی، نشاط، رفتار اخلاقی و مهارت‌های زندگی معرفی کرده است (Vafae et al., 2017). با این حال، مرور مطالعات نشان می‌دهد که فاصله قابل توجهی میان مفاد نظری سند و آنچه در میدان عمل مدارس اتفاق می‌افتد وجود دارد (Aghamohammadi, 2019).

در ساختار تعلیم و تربیت رسمی ایران، تربیت‌بدنی همواره با چالش‌هایی مواجه بوده؛ چالش‌هایی که از ضعف زیرساخت‌ها تا مشکلات منابع انسانی، نبود برنامه‌ریزی راهبردی، کمبود تجهیزات، غلبه نگاه ابزاری به درس تربیت‌بدنی و ضعف در سیاست‌گذاری آن را شامل می‌شود. پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که تربیت‌بدنی در مدارس ابتدایی و متوسطه اغلب از جایگاه واقعی خود دور مانده و فاصله میان اهداف سند تحول با وضعیت موجود همچنان محسوس است (Mahdavi et al., 2015؛ Estajlu, 2021 #317937؛ Darvar, 2016 #317938). همچنین بررسی ارزش‌های تربیتی و جایگاه تربیت‌بدنی در متون و برنامه‌های درسی نشان می‌دهد که انعکاس اهداف ساحت شش‌گانه در برنامه‌های جاری کمتر از حد انتظار است (Aghamohammadi, 2019).

یکی از بنیادی‌ترین چالش‌ها، سوءبرداشت از ماهیت درس تربیت‌بدنی است؛ به نحوی که این درس در بسیاری از مدارس به‌عنوان یک فعالیت فرعی تلقی می‌شود و نه یک عنصر تربیتی راهبردی. این مشکل تا حد زیادی محصول نبود درک مشترک از چیستی، هدف و نقش تربیت‌بدنی در تحقق اهداف تعلیم و تربیت است (Razavi et al., 2014). درواقع، تربیت‌بدنی به‌جای آنکه بستری برای توسعه مهارت‌های ارتباطی، همکاری، مدیریت هیجان، کنترل استرس و تقویت هویت بدنی-روانی باشد، گاهی صرفاً به اجرای تمرینات محدود بدون رویکرد تربیتی تقلیل می‌یابد.

مطالعات بین‌المللی نیز بر این نکته تأکید دارند که کیفیت اجرای تربیت‌بدنی به میزان زیادی وابسته به توانمندی حرفه‌ای معلمان، شرایط محیطی، ساختار برنامه درسی و میزان حمایت نهادی است (Orhan, 2025). تحقیقات جدید در کشورهای مختلف نشان داده که نقش معلم تربیت‌بدنی بسیار فراتر از آموزش حرکات بدنی است؛ زیرا معلمان توانمند می‌توانند نقش اساسی در تقویت روحیه، عزت‌نفس، مهارت‌های اجتماعی، تاب‌آوری تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان ایفا کنند (Panganiban et al., 2025). این نکته هم‌راستا با نظریه‌های نوین تربیتی است که فعالیت بدنی را محرکی برای رشد شناختی، بهبود تمرکز، تقویت انگیزش و ارتقای مشارکت اجتماعی معرفی می‌کنند (Raju, 2024).

در کنار این یافته‌ها، پژوهش‌های داخلی حاکی از آن است که معلمان تربیت‌بدنی خود نیز با چالش‌های گوناگون مواجه‌اند. مطالعات نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از معلمان از مهارت‌های روانی-اجتماعی لازم برای تدریس مؤثر برخوردار نیستند، زیرا آموزش‌های ضمن خدمت کافی، برنامه‌ریزی هدفمند و ابزارهای تخصصی پشتیبان آنان وجود ندارد (Salimi, 2015). همچنین، نبود نظام مشخص برای ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان در تربیت‌بدنی، مشکلات بیشتری را برای مربیان ایجاد کرده است (Zolghadri, 2019). نظام ارزشیابی ساحت‌محور در مدارس ایران به‌طور کامل پیاده‌سازی نشده و این امر موجب شده که تربیت‌بدنی صرفاً بر بعد جسمانی متمرکز بماند، در حالی که سند تحول بنیادین بر ارزیابی چندبعدی، شامل ابعاد اخلاقی، اجتماعی، شناختی و سبک زندگی تأکید دارد.

یکی از محورهای مهم سند تحول بنیادین، تأکید بر هماهنگی میان نهادهای مختلف آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای برای تقویت فرهنگ ورزش در جامعه است (Kashkar & Qasemi, 2020). با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این هماهنگی در عمل شکل نگرفته و هنوز نگاه

سیستمی و هم‌افزا میان نهادهای مسئول تربیت‌بدنی وجود ندارد (Hamidi & Padas, 2021). پراکندگی سیاست‌ها، نبود برنامه‌ریزی مشترک، کمبود بودجه، فقدان سازوکار پایدار نظارت و عدم هم‌افزایی سازمان‌های مرتبط باعث شده اجرای اهداف تربیت‌بدنی فراتر از سطح مدرسه با مانع مواجه شود.

در سطح مدرسه، منابع محدود یکی از مهم‌ترین موانع اجرای تربیت‌بدنی مؤثر است. کمبود امکانات، نبود فضای کافی، تجهیزات ناکافی، تراکم بالای کلاس‌ها و محدودیت زمانی، امکان اجرای برنامه‌های استاندارد را کاهش می‌دهد (Darvar et al., 2016). این شرایط به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار، مدارس روستایی و حاشیه شهرها شدیدتر است و باعث ایجاد شکاف میان عدالت تربیتی و فرصت برابر آموزشی می‌شود (Zolghadri, 2019).

از سوی دیگر، تغییرات جهانی در فناوری و آموزش دیجیتال، نوع جدیدی از الزامات را برای تربیت‌بدنی ایجاد کرده است. در عصر دیجیتال، توانمندسازی معلمان تربیت‌بدنی برای آموزش در محیط‌های ترکیبی، استفاده از ابزارهای هوشمند و بهره‌گیری از فناوری برای بهبود یادگیری ضروری است (Makeeva & Кулин, 2024). با این حال، این تحول فناورانه بدون تقویت مهارت‌های دیجیتال معلمان، بدون بازطراحی محتوا و بدون زیرساخت مناسب عملاً امکان‌پذیر نیست.

در این میان، آمادگی روانی و حرفه‌ای معلمان نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت آموزش دارد. یافته‌های مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد معلمانی که قبل از تدریس از نظر روانی آماده‌اند، تعامل مثبت‌تری با دانش‌آموزان برقرار کرده و محیط یادگیری سالم‌تری ایجاد می‌کنند (Liu et al., 2025). این موضوع در تربیت‌بدنی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند زیرا کلاس‌های عملی نیازمند مدیریت هیجان، کنترل رفتارهای پرخطر و هدایت تعاملات گروهی هستند.

از سوی دیگر، مطالعات جدید نشان داده است که توجه به تفاوت‌های فردی، جنسیتی، توانایی‌های بدنی و نیازهای خاص دانش‌آموزان باید در برنامه‌ریزی تربیت‌بدنی لحاظ شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش تربیت‌بدنی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به بازطراحی محتوا و بهره‌گیری از روش‌های آموزشی سازگار نیاز دارد (Orhan, 2025). این موضوع در اسناد ملی و سند تحول نیز مورد تأکید قرار گرفته اما در اجرا کمتر دیده می‌شود.

علاوه بر این، رویکردهای جدید برنامه‌ریزی درسی در تربیت‌بدنی، بر بازنگری ساختارها و طراحی برنامه‌هایی با رویکرد شایستگی‌محور تأکید دارند؛ برنامه‌هایی که مهارت‌های زندگی، سواد حرکتی، سلامت روان، تفکر سالم، مدیریت روابط اجتماعی و مسئولیت‌پذیری را به‌صورت مجموعه‌ای یکپارچه تربیت کنند. تحقیقات اخیر درباره طراحی و توسعه برنامه درسی تربیت‌بدنی نیز همین الگو را دنبال می‌کنند (Wisata et al., 2025). این دیدگاه با اصول سند تحول بنیادین نیز هم‌سو است، زیرا سند تحول بر تربیت «فرد تراز» با مؤلفه‌های هویت ملی، سلامت جسمانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نشاط فردی تأکید می‌کند (Izadi Garmaseh, 2024).

در کنار این موارد، پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که بسیاری از مشکلات تربیت‌بدنی ریشه در ضعف حکمرانی آموزشی دارد. پراکندگی اهداف، نبود سیاست واحد، عدم تدوین برنامه پایدار و نبود هماهنگی بین‌نهادی باعث شده جایگاه تربیت‌بدنی در تصمیم‌گیری‌ها کم‌رنگ شود (Hamidi & Padas, 2021). چنین شرایطی اجرای واقعی سند تحول را دشوارتر کرده و موجب می‌شود که تربیت‌بدنی همچنان در حاشیه قرار گیرد.

مطالعات داخلی و خارجی همچنین تأکید دارند که تربیت‌بدنی تأثیر مستقیمی بر مهارت‌های اجتماعی، همکاری گروهی، نظم شخصی، مدیریت خشم و تاب‌آوری دارد (Sohrabi, 2019). این مهارت‌ها در زندگی امروز دانش‌آموزان نقش حیاتی دارند، به‌ویژه در شرایطی که فشارهای روانی و استرس تحصیلی رو به افزایش است. یافته‌ها نشان می‌دهد فعالیت‌های حرکتی و بازی‌های گروهی یکی از مؤثرترین روش‌ها برای کاهش استرس و بهبود سلامت روانی هستند (Raju, 2024).

افزون بر این، بررسی نقش رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی نشان می‌دهد که ترویج فرهنگ ورزش و تربیت‌بدنی در جامعه بدون مشارکت این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست (Kashkar & Qasemi, 2020). نقش رسانه در تغییر نگرش عمومی نسبت به ورزش، به‌ویژه در میان دختران، حیاتی است و سند تحول نیز بارها به این موضوع تأکید کرده است. در نهایت، ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که اجرای موفق تربیت‌بدنی در مدارس نیازمند ترکیبی از عوامل ساختاری، آموزشی، فرهنگی، فناورانه و روانی است. هماهنگی این عوامل، ایجاد زیرساخت‌های لازم، توانمندسازی معلمان، بازطراحی برنامه‌های درسی، حمایت نهادی و تدوین نظام ارزشیابی چندبعدی، مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌های ضروری برای تحقق اهداف سند تحول بنیادین است. هدف پژوهش حاضر بررسی زیرنظام تربیت‌بدنی در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش کیفی با استفاده از تحلیل مضمون می‌باشد. تحلیل مضمون با رویکرد قیاسی-استقرایی انجام شده، به این معنا که چارچوب اولیه بر مبنای ادبیات نظری طراحی شده و در ادامه، مضامین جدیدی که در دل متن سند وجود دارد، به شیوه اکتشافی استخراج و دسته‌بندی گردیده‌اند. جامعه آماری شامل صاحب‌نظران، مدیران ارشد آموزش و پرورش، اعضای کمیته تدوین سند تحول بنیادین، متخصصان حوزه تربیت‌بدنی و ساحت‌های تربیتی است. انتخاب این گروه از مشارکت‌کنندگان به دلیل دانش عمیق، تجربه عملی و نقش مؤثر آنان در سیاست‌گذاری و راهبری برنامه‌های آموزشی و تربیتی کشور صورت گرفته است. هدف از انتخاب این جامعه، دستیابی به درک عمیق‌تری از مفاهیم، چالش‌ها و ظرفیت‌های زیرنظام تربیت‌بدنی در متن سند و فرآیندهای اجرای آن در سطح نظام تعلیم و تربیت است. روش نمونه‌گیری در این بخش، هدفمند از نوع گلوله‌برفی بوده است. ابتدا تعدادی از متخصصان کلیدی که مستقیماً در تدوین یا اجرای اسناد تحولی مشارکت داشته‌اند، شناسایی شدند و سپس با راهنمایی آنان، سایر خبرگان مؤثر در این حوزه به پژوهش معرفی شدند. ملاک‌های انتخاب نمونه شامل: سابقه فعالیت تخصصی در تربیت‌بدنی، مشارکت در سیاست‌گذاری آموزشی، آشنایی با سند تحول بنیادین و بینش راهبردی نسبت به ساحت‌های تربیتی بوده است. فرایند گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت و تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت.

در فاز نخست این پژوهش، تمرکز بر طراحی الگوی مفهومی زیرنظام تربیت‌بدنی با اتکاء بر تحلیل محتوای اسناد و داده‌های کیفی خواهد بود. به این منظور، ابتدا با جست‌وجوی نظام‌مند در پایگاه‌های علمی و اطلاعاتی معتبر مجموعه‌ای از پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی مرتبط با موضوعات «سیاست‌گذاری آموزشی»، «تربیت‌بدنی در نظام آموزش و پرورش»، و «برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر ساحت تربیتی» گردآوری و تحلیل خواهد شد. این مرور نظام‌مند ادبیات، بستری مفهومی برای تدوین سؤالات مصاحبه‌های تخصصی فراهم می‌سازد و چارچوب اولیه مؤلفه‌ها را مشخص می‌کند. در گام بعد، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان آموزش و پرورش شامل اعضای شورای عالی آموزش و پرورش، مدیران کل تربیت‌بدنی، مشاوران تربیتی، کارشناسان تدوین سند تحول بنیادین، و اساتید دانشگاهی دارای تجربه در حوزه برنامه‌ریزی تربیت‌بدنی انجام خواهد شد. هدف این مصاحبه‌ها، شناسایی و استخراج مضامین کلیدی، چالش‌های اجرایی، و شاخص‌های عملکردی زیرنظام تربیت‌بدنی در سند تحول بنیادین است. انجام مصاحبه‌ها تا زمان اشباع نظری ادامه خواهد یافت؛ به این معنا که مصاحبه‌های جدید دیگر داده نو یا مفهوم تازه‌ای به تحلیل نمی‌افزایند. پس از گردآوری داده‌های کیفی، فرآیند تحلیل مضمون (تماتیک) بر پایه روش براون و کلارک (۲۰۰۶) اجرا شد. در نهایت، یافته‌های این مرحله به صورت چارچوبی مفهومی تنظیم می‌شود.

یافته‌ها

در این پژوهش، ۱۲ نفر از خبرگان حوزه تعلیم و تربیت با تمرکز بر تربیت‌بدنی به عنوان نمونه هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. میانگین سنی این افراد ۴۷٫۶ سال بود و بازه سنی مشارکت‌کنندگان بین ۳۸ تا ۶۲ سال متغیر بود. این بازه نشان‌دهنده بهره‌گیری از تجارب افراد باتجربه، در سطوح میانی و ارشد تصمیم‌گیری در نظام آموزشی کشور است. توزیع جنسیتی مشارکت‌کنندگان شامل ۹ مرد

(۷۵٪) و ۳ زن (۲۵٪) بود که بیانگر ترکیبی از دیدگاه‌های هر دو جنس در تحلیل سیاست‌های کلان تربیتی، به‌ویژه در حوزه تربیت‌بدنی است. از منظر موقعیت شغلی، ۵ نفر از مشارکت‌کنندگان (۴۱،۷٪) از مدیران و سیاست‌گذاران وزارت آموزش و پرورش یا ادارات کل استان‌ها بودند، ۴ نفر (۳۳،۳٪) اعضای هیئت علمی دانشگاه با تخصص در علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی یا تربیت‌بدنی، و ۳ نفر (۲۵٪) از کارشناسان ارشد تدوین اسناد تحولی یا مشاوران ساحت تربیت‌بدنی در سطوح اجرایی بوده‌اند. این توزیع نشان می‌دهد که ترکیبی متوازن از دیدگاه نظری، تجربی و سیاستی در نمونه لحاظ شده است تا تحلیلی جامع از وضعیت زیرنظام تربیت‌بدنی به‌دست آید. از نظر سابقه حرفه‌ای، همه مصاحبه‌شوندگان دارای سابقه‌ای بیش از ۱۵ سال در نظام آموزش و پرورش بوده‌اند و دست‌کم نیمی از آنان تجربه مستقیم در طراحی یا پیاده‌سازی سیاست‌های تربیت‌بدنی در سطوح ملی یا منطقه‌ای داشته‌اند.

به عنوان نمونه سوال اول جهت تحلیل محتوا به شرح ذیل است. (جدول ۱).

سؤال اول: از دیدگاه شما، چه جایگاهی برای تربیت‌بدنی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است؟

جدول ۱. مصاحبه‌ها و کدهای اولیه سوال اول

شماره مصاحبه	کدهای اولیه
مصاحبه ۱	تربیت‌بدنی به‌عنوان ابزاری برای رشد متوازن جسم و روان
مصاحبه ۲	نقش مکمل تربیت‌بدنی در تحقق ساحت زیستی-بدنی
مصاحبه ۳	تربیت‌بدنی ابزاری برای ارتقای نشاط و شادابی در مدرسه
مصاحبه ۴	کم‌توجهی به تربیت‌بدنی نسبت به سایر ساحت‌ها
مصاحبه ۵	تربیت‌بدنی به‌عنوان عنصر مغفول در سند تحول
مصاحبه ۶	تأکید بر نقش تربیت‌بدنی در ارتقاء سلامت عمومی
مصاحبه ۷	تربیت‌بدنی عامل پیوند آموزش رسمی با تربیت اجتماعی
مصاحبه ۸	نگاه ابزاری به تربیت‌بدنی در متن سند
مصاحبه ۹	پتانسیل بالای تربیت‌بدنی در پرورش مهارت‌های زندگی
مصاحبه ۱۰	تربیت‌بدنی ناظر به سبک زندگی سالم در ساحت زیستی
مصاحبه ۱۱	نقش فرهنگی و هویتی تربیت‌بدنی در ساختار سند
مصاحبه ۱۲	ضعف در ساختار اجرایی تربیت‌بدنی علیرغم اشاره‌های مفهومی

تحلیل محتوای انجام‌شده بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان حوزه تعلیم و تربیت در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، تصویری متنوع و چندلایه از جایگاه تربیت‌بدنی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ترسیم می‌کند. بخشی از مشارکت‌کنندگان بر نقش مثبت و بنیادین تربیت‌بدنی در تربیت متوازن دانش‌آموزان تأکید داشته‌اند. از جمله مضامینی که در این راستا شناسایی شده، می‌توان به «تربیت‌بدنی به‌عنوان ابزاری برای رشد متوازن جسم و روان»، «نقش مکمل تربیت‌بدنی در تحقق ساحت زیستی-بدنی» و «ارتقای نشاط و شادابی در مدرسه» اشاره کرد. این دیدگاه‌ها تربیت‌بدنی را یکی از مولفه‌های کلیدی برای تحقق اهداف تربیتی سند می‌دانند که زمینه‌ساز پرورش سلامت‌محور و پویایی دانش‌آموزان است. (جدول ۱).

در سوی دیگر، برخی از مصاحبه‌شوندگان نگرشی انتقادی نسبت به جایگاه تربیت‌بدنی در سند ابراز کرده‌اند. کدهایی نظیر «کم‌توجهی به تربیت‌بدنی نسبت به سایر ساحت‌ها»، «تربیت‌بدنی به‌عنوان عنصر مغفول در سند تحول» و «نگاه ابزاری به تربیت‌بدنی در متن سند» نشان می‌دهد که از دید این گروه، علی‌رغم ذکر مفاهیم تربیت‌بدنی در سند، عمق پرداخت و انسجام ساختاری لازم برای تبدیل این ساحت به یک رکن بنیادین در نظام آموزش رسمی کشور وجود ندارد. این تحلیل‌ها حاکی از آن است که جایگاه تربیت‌بدنی در عمل کمتر از آن چیزی است که در سطح گفتمان سند انتظار می‌رود.

در عین حال، کدهای دیگری نیز شناسایی شده‌اند که به قابلیت‌های تربیت‌بدنی برای ایفای نقش‌های فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی اشاره دارند. مفاهیمی مانند «پیوند آموزش رسمی با تربیت اجتماعی»، «پرورش مهارت‌های زندگی»، «نظارت بر سبک زندگی سالم»، و «نقش

فرهنگی و هویتی تربیت‌بدنی» نشان می‌دهند که این ساحت می‌تواند نقش میان‌رشته‌ای در تربیت دانش‌آموزان ایفا کند. با این حال، کد «ضعف در ساختار اجرایی تربیت‌بدنی علیرغم اشاره‌های مفهومی» بیانگر این است که بین سطح مفهومی و سطح عملیاتی این ساحت در سند فاصله‌ای معنادار وجود دارد که در مراحل بعدی تحلیل باید مورد واکاوی دقیق قرار گیرد.

در تحلیل کیفی این پژوهش، از روش کدگذاری باز به‌عنوان نخستین مرحله نظام‌مند تحلیل مضمون استفاده شده است. در مجموع، از هر مصاحبه چندین کد اولیه استخراج شد که بیانگر مضامین بنیادین و زمینه‌ساز شناسایی الگوهای مفهومی پنهان در داده‌ها بودند. پس از استخراج اولیه، کدها به‌صورت مقایسه‌ای بررسی شده و موارد تکراری، هم‌معنا یا مشابه با یکدیگر ترکیب یا بازتعریف شدند. در نهایت، مجموعه‌ای از کدهای باز که در برگیرنده تجربه‌ها، نیازها، محدودیت‌ها و پیشنهادات مشارکت‌کنندگان درباره زیرنظام تربیت‌بدنی بودند، به‌عنوان داده اولیه برای ادامه مراحل تحلیل مضمون مانند شناسایی مضامین محوری، مضامین فرعی و طراحی مدل مفهومی استفاده شدند.

جدول ۲: کدگذاری باز به تفکیک تمامی سؤالات

سؤال	کدهای اولیه	کدهای باز
سؤال اول	تربیت‌بدنی مغفول؛ جایگاه حاشیه‌ای؛ ظرفیت هویتی و تربیتی	نارسایی مفهومی، کم‌توجهی اجرایی، ظرفیت تربیتی پنهان
سؤال دوم	نیاز به دیده‌شدن؛ اعتراض به بی‌عدالتی؛ فشارهای آموزشی و روانی	فشارهای روانی، خلأ هویتی نوجوان، نارضایتی نهادی
سؤال سوم	نبود پیوست اجرایی؛ کمبود منابع؛ ضعف هماهنگی نهادی	کمبود منابع اجرایی، ضعف هماهنگی بین‌نهادی، نبود نقشه راه عملیاتی
سؤال چهارم	کمبود فضا و تجهیزات؛ بی‌توجهی به تفاوت جنسیتی؛ نبود انگیزه معلمان	فقدان امکانات فیزیکی، نابرابری جنسیتی، بی‌انگیزگی معلمان
سؤال پنجم	فقدان سیاست واحد؛ پراکندگی نهادی؛ تبعیض منابع	تعارض سیاستی، ضعف حکمرانی تربیتی، عدم انسجام ساختاری
سؤال ششم	نقش کلیدی معلمان؛ نبود اختیار حرفه‌ای؛ ضعف توانمندسازی	محدودیت حرفه‌ای معلمان، کمبود آموزش ضمن خدمت، حذف مشارکت در تصمیم‌گیری
سؤال هفتم	ظرفیت شورا و خانواده؛ پشتیبانی محلی؛ ارتباط بین‌منطقه‌ای	پتانسیل نهادهای مدرسه‌ای، هم‌افزایی محلی، مشارکت خانواده و منطقه
سؤال هشتم	نبود نظام سنجش ساحت‌محور؛ ابزارهای سنتی؛ نبود شاخص پیشرفت	فقدان شاخص کیفی، ارزشیابی تک‌بعدی، نبود ابزار بومی‌سازی‌شده
سؤال نهم	نیاز به سند مستقل؛ بودجه پایدار؛ بازنگری محتوایی و حرفه‌ای	نیاز به تدوین سیاست پایدار، تجهیز منابع انسانی و محتوایی، بازمهندسی ساختار پشتیبانی
سؤال دهم	امکان‌پذیری مشروط؛ لزوم مشارکت ساختاری و تغییر نگاه	امکان تحقق مشروط، لزوم تحول نگرشی، طراحی نقشه راه گام‌به‌گام

تحلیل جدول کدگذاری باز به تفکیک سؤالات پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از مسائل ساختاری، مفهومی، اجرایی و فرهنگی در فرآیند تحقق اهداف زیرنظام تربیت‌بدنی در سند تحول بنیادین مطرح شده‌اند. (جدول ۲).

در تحلیل کیفی پژوهش حاضر و با اتکاء به روش کدگذاری باز، در مجموع ۱۰ مضمون اصلی و ۳۰ مضمون فرعی شناسایی شد که نمایانگر طیف وسیعی از نگرش‌ها، چالش‌ها، ظرفیت‌ها و راهکارهای پیشنهادی مرتبط با تحقق زیرنظام تربیت‌بدنی در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هستند. این مضامین بر پایه تحلیل محتوای ۱۲ مصاحبه و کدگذاری سیستماتیک پاسخ‌ها به ده سؤال کلیدی پژوهش استخراج شده‌اند.

جدول ۳: مضامین اصلی و فرعی

مضامین اصلی	مضامین فرعی	شرح مضامین فرعی
جایگاه مفهومی و تربیتی تربیت‌بدنی	نارسایی مفهومی، کم‌توجهی اجرایی، ظرفیت تربیتی پنهان	ناتوانی در تثبیت نقش تربیت‌بدنی در اسناد کلان، عدم اجرا در مدرسه، ظرفیت بالقوه در پرورش هویت و ارزش‌ها
عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان	فشارهای روانی، خلأ هویتی نوجوان، نارضایتی نهادی	تأثیر محرومیت، فشار تحصیلی و هویتی بر نارضایتی و رفتارهای اعتراضی نوجوانان
چالش‌های اجرایی و ساختاری	کمبود منابع اجرایی، ضعف هماهنگی بین‌نهادی، نبود نقشه راه عملیاتی	عدم تخصیص بودجه، نبود پیوست اجرایی برای اهداف سند، ضعف همکاری نهادهای مسئول

نارسایی زیرساختی و منابع انسانی	فقدان امکانات فیزیکی، نابرابری جنسیتی، بی‌انگیزگی معلمان	نبود فضای ورزشی، محرومیت مناطق خاص، بی‌میلی معلمان به دلیل فقدان انگیزه حرفه‌ای
ضعف در سیاست‌گذاری و حکمرانی تربیتی	تعارض سیاستی، ضعف حکمرانی تربیتی، عدم انسجام ساختاری	نبود سیاست واحد ملی، چندگانگی تصمیم‌گیری، ضعف ساختارهای تنظیم‌گری
نقش حرفه‌ای و توانمندی معلمان	محدودیت حرفه‌ای معلمان، کمبود آموزش ضمن خدمت، حذف مشارکت در تصمیم‌گیری	معلمان از اختیار و رشد شغلی محرومند، فرصت‌سازی حرفه‌ای و مشارکت تصمیم‌گیری محدود است
ظرفیت‌های نهادی و مشارکتی	پتانسیل نهادهای مدرسه‌ای، هم‌افزایی محلی، مشارکت خانواده و منطقه	شوراهای مدرسه، خانواده و نهادهای محلی ظرفیت‌های بالفعل‌اند اما فعال نشده‌اند
نارسایی در نظام ارزشیابی و سنجش	فقدان شاخص کیفی، ارزشیابی تک‌بعدی، نبود ابزار بومی‌سازی‌شده	ارزشیابی‌ها فقط جسمانی‌اند، ابزار بومی وجود ندارد، شاخص‌های ساحت‌محور تعریف نشده‌اند
نیاز به پشتیبانی سیاستی، مالی و محتوایی	نیاز به تدوین سیاست پایدار، تجهیز منابع انسانی و محتوایی، بازمهندسی ساختار پشتیبانی	نیاز به سند پایدار، تأمین نیروی انسانی ماهر، بازنگری ساختار محتوا و حمایت سیاستی
راهکارهای راهبردی برای تحقق اهداف سند	امکان تحقق مشروط، لزوم تحول نگرشی، طراحی نقشه راه گام‌به‌گام	تحقق اهداف با شرط مشارکت همه‌جانبه و اصلاح نگرش‌ها ممکن است، نیاز به نقشه راه مشخص

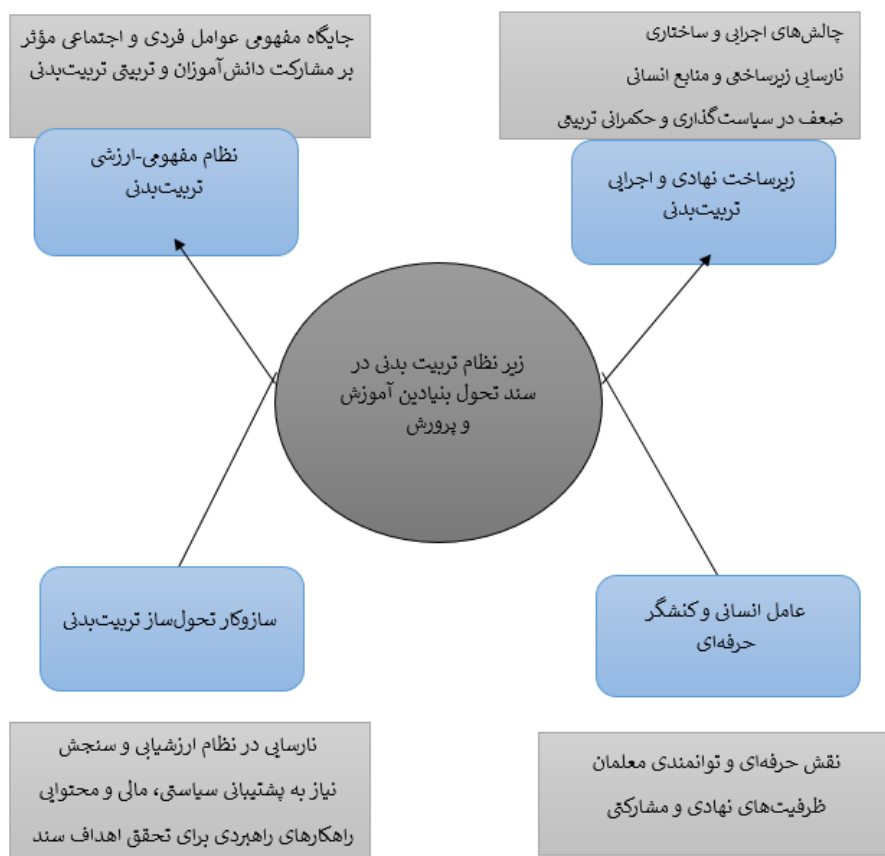
تحلیل جدول مضامین اصلی (جدول ۳)، فرعی و شرح آن‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از نخستین چالش‌ها به «جایگاه مفهومی و تربیتی تربیت‌بدنی» بازمی‌گردد. در اسناد رسمی آموزش و پرورش، اگرچه به تربیت‌بدنی اشاره شده، اما ناتوانی در تثبیت جایگاه محوری آن و کم‌توجهی به اجرای واقعی برنامه‌های مربوطه در مدارس، باعث شده ظرفیت‌های مهم این ساحت در پرورش هویت، ارزش‌ها و شادابی دانش‌آموزان مغفول بماند. این ساحت تربیتی به‌ویژه از منظر ارتباط آن با سلامت جسمی، روانی و اجتماعی می‌تواند نقشی بنیادین در تربیت متوازن ایفا کند، مشروط بر آن که به‌عنوان یک مؤلفه بنیادین، نه حاشیه‌ای، تلقی شود.

مفهوم‌سازی انجام‌شده در این پژوهش بر اساس مضامین اصلی و فرعی حاصل از تحلیل داده‌های کیفی، منجر به استخراج چهار مفهوم کلیدی گردید که ساختار تحلیلی منظمی برای تبیین وضعیت زیرنظام تربیت‌بدنی در سند تحول بنیادین فراهم می‌سازد. این مفاهیم شامل «نظام مفهومی-ارزشی تربیت‌بدنی»، «زیرساخت نهادی و اجرایی»، «عامل انسانی و کنشگر حرفه‌ای» و «سازوکار تحول‌ساز تربیت‌بدنی» هستند. هر یک از این مفاهیم حاصل تلفیق مضامین مرتبط در چند سطح تحلیلی بوده و بر جنبه‌ای بنیادین از وضعیت موجود و مسیر بهبود تأکید دارد. به‌طور خاص، نظام مفهومی تربیت‌بدنی نشان‌دهنده بحران معنایی در درک نقش این ساحت تربیتی است، در حالی که ابعاد نهادی و اجرایی به ضعف‌های ساختاری و کمبود منابع پرداخته‌اند.

جدول ۴: مفهوم‌سازی بر اساس مضامین اصلی و فرعی

مفهوم کلی	مضمون اصلی	مضامین فرعی
نظام مفهومی-ارزشی تربیت‌بدنی	جایگاه مفهومی و تربیتی تربیت‌بدنی	نارسایی مفهومی، کم‌توجهی اجرایی، ظرفیت تربیتی پنهان
	عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان	فشارهای روانی، خلأ هویتی نوجوان، نارضایتی نهادی
زیرساخت نهادی و اجرایی تربیت‌بدنی	چالش‌های اجرایی و ساختاری	کمبود منابع اجرایی، ضعف هماهنگی بین‌نهادی، نبود نقشه راه عملیاتی
	نارسایی زیرساختی و منابع انسانی	فقدان امکانات فیزیکی، نابرابری جنسیتی، بی‌انگیزگی معلمان
عامل انسانی و کنشگر حرفه‌ای	ضعف در سیاست‌گذاری و حکمرانی تربیتی	تعارض سیاستی، ضعف حکمرانی تربیتی، عدم انسجام ساختاری
	نقش حرفه‌ای و توانمندی معلمان	محدودیت حرفه‌ای معلمان، کمبود آموزش ضمن خدمت، حذف مشارکت در تصمیم‌گیری
سازوکار تحول‌ساز تربیت‌بدنی	ظرفیت‌های نهادی و مشارکتی	پتانسیل نهادهای مدرسه‌ای، هم‌افزایی محلی، مشارکت خانواده و منطقه
	نارسایی در نظام ارزشیابی و سنجش	فقدان شاخص کیفی، ارزشیابی تک‌بعدی، نبود ابزار بومی‌سازی‌شده
	نیاز به پشتیبانی سیاستی، مالی و محتوایی	نیاز به تدوین سیاست پایدار، تجهیز منابع انسانی و محتوایی، بازمهندسی ساختار پشتیبانی
	راهکارهای راهبردی برای تحقق اهداف سند	امکان تحقق مشروط، لزوم تحول نگرشی، طراحی نقشه راه گام‌به‌گام

شبکه مضامین طراحی شده در این پژوهش، ساختاری سه سطحی از مفاهیم کلی، مضامین اصلی و مضامین فرعی را به تصویر می کشد. سطوح سه گانه شبکه مضامین امکان تبیین رابطه بین عوامل نهادی، فردی، محتوایی و سیاستی را در تحقق اهداف تربیت بدنی فراهم می سازد. به طور خاص، مفاهیم کلی همچون «نظام مفهومی-ارزشی» و «سازوکار تحول ساز»، ستون های تحلیلی پژوهش هستند که مضامین اصلی چون «جایگاه تربیت بدنی»، «نارسایی ارزشیابی»، «توانمندی معلمان»، و «چالش های اجرایی» به مثابه شاخه های میانی آن ها عمل می کنند. از سوی دیگر، مضامین فرعی مانند «بی انگیزگی معلمان»، «کمبود منابع»، یا «فقدان شاخص های بومی» بیانگر سطح خردتر از واقعیت های میدانی و عملیاتی هستند (شکل ۱).



شکل ۱: مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان داد که جایگاه تربیت بدنی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اگرچه در سطح مفهومی مورد توجه قرار گرفته است، اما در عمل با مجموعه ای از چالش های ساختاری، برنامه ریزی، منابع انسانی و ارزشیابی مواجه است. تحلیل داده ها بیانگر آن بود که تربیت بدنی هنوز نتوانسته به عنوان یک رکن بنیادین ساحت زیستی-بدنی در مدارس ایفای نقش کند و شکاف معناداری میان اهداف نظری سند و واقعیت های میدانی وجود دارد. این نتایج با یافته های پژوهش های داخلی مبنی بر کم رنگ بودن تحقق اهداف تربیت بدنی در مدارس به ویژه در مقطع ابتدایی هم راستا است (Mahdavi et al., 2015; Estajlu, 2021). همچنین ضعف در سیاست گذاری، کمبود تجهیزات، نبود فضای مناسب و فقدان هماهنگی نهادی از جمله مهم ترین عواملی بودند که در تحلیل مضمون شناسایی شدند؛ موضوعی که پژوهش های پیشین نیز پیش تر بر آن تأکید کرده اند (Hamidi & Padas, 2021).

یکی از نتایج کلیدی، نارسایی مفهومی در درک نقش تربیت‌بدنی از دیدگاه سیاست‌گذاران و مجریان بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که نگاه ابزاری یا حاشیه‌ای به تربیت‌بدنی باعث کاهش جایگاه آن در مدرسه شده است؛ در حالی که سند تحول تربیت‌بدنی را بخشی هم‌ارز سایر ساحت‌های تربیتی معرفی کرده است. این یافته با نتایج (Aghamohammadi, 2019) که نشان می‌دهد ساحت زیستی-بدنی در متون درسی و برنامه‌های آموزشی کمتر از حد مطلوب منعکس شده، هم‌خوانی دارد. همچنین مطالعه (Razavi et al., 2014) تأیید می‌کند که یکی از چالش‌های بنیادی، عدم باور مدیران و والدین به کارکردهای تربیتی-اجتماعی تربیت‌بدنی است؛ چالشی که در مصاحبه‌ها نیز به‌صورت گسترده بیان شد.

نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که زیرساخت‌های اجرایی تربیت‌بدنی ناکافی بوده و مدارس برای اجرای برنامه‌های استاندارد تربیت‌بدنی با کمبود امکانات مواجه‌اند. این موضوع در پژوهش (Darvar et al., 2016) و (Zolghadri, 2019) نیز گزارش شده است؛ به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار، نبود سالن‌های ورزشی، کمبود تجهیزات و تراکم بالای کلاس‌ها، کیفیت تدریس تربیت‌بدنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان داد که این نابرابری فضایی-منابعی مانع تحقق عدالت تربیتی بوده و با اهداف سند تحول در تناقض است.

در بخش مربوط به عامل انسانی و توانمندی معلمان، داده‌ها نشان داد که بسیاری از معلمان تربیت‌بدنی فاقد آموزش‌های تخصصی در حوزه‌های روان‌شناسی ورزشی، مدیریت هیجان، تدریس شایستگی‌محور و ارزشیابی ساحت‌محور هستند. این کمبود توانمندی حرفه‌ای با یافته‌های (Salimi, 2015) که بر ضعف اخلاق حرفه‌ای و مهارت‌های ارتباطی معلمان تربیت‌بدنی تأکید می‌کند، همسو است. همچنین پژوهش بین‌المللی (Liu et al., 2025) نشان می‌دهد که آمادگی روانی و حرفه‌ای معلمان قبل از تدریس نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت تعاملات آموزشی دارد؛ موضوعی که شرکت‌کنندگان نیز بارها به آن اشاره کردند. داده‌ها نشان داد فقدان آموزش‌های ضمن خدمت هدفمند و نبود نظام ارتقای حرفه‌ای، باعث کاهش انگیزه و کیفیت تدریس شده است؛ یافته‌ای که با نتایج (Orhan, 2025) درباره نیاز به تربیت معلمان متخصص برای دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه نیز هم‌راستاست.

از سوی دیگر، داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که نظام ارزشیابی در تربیت‌بدنی ناکارآمد است. ارزشیابی‌ها اغلب تنها به فاکتورهای جسمانی و توان ورزشی محدود می‌شوند، در حالی که سند تحول بر ارزیابی چندبعدی شامل جنبه‌های روانی، اخلاقی و اجتماعی تأکید دارد. این شکاف در پژوهش (Zolghadri, 2019) نیز گزارش شده و نتایج (Vafaei et al., 2017) نیز تأکید می‌کند که ساحت زیستی-بدنی در کتاب‌های درسی به شکل یکپارچه بازنمایی نشده و ابزارهای مناسب برای سنجش آن وجود ندارد.

نتایج همچنین نشان داد که کمبود هماهنگی نهادی میان وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش و رسانه‌ها مانعی جدی در تحقق اهداف تربیت‌بدنی است؛ موضوعی که در پژوهش (Kashkar & Qasemi, 2020) نیز مطرح شده است. اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین بر همکاری ساختاری تأکید دارند، اما داده‌ها نشان دادند که این همکاری در عمل شکل نگرفته و سیاست‌گذاری‌ها پراکنده و گاه متعارض هستند.

یافته‌ها حاکی از آن بود که نقش رسانه و فرهنگ‌سازی برای ترویج ورزش در مدرسه و خانه بسیار کم‌رنگ است. این مسئله پیش‌تر نیز در مطالعات (Kashkar & Qasemi, 2020) مطرح شده و تأکید شده است که رسانه‌های ملی و مرجع می‌توانند نگرش خانواده‌ها و دانش‌آموزان را نسبت به اهمیت تربیت‌بدنی تغییر دهند. در مصاحبه‌ها نیز بیان شد که والدین و مدیران مدرسه معمولاً تربیت‌بدنی را نسبت به دروس نظری کم‌اهمیت می‌دانند؛ موضوعی که در پژوهش (Razavi et al., 2014) و (Aghamohammadi, 2019) نیز مطرح شده است.

یکی از ابعاد برجسته یافته‌ها، نقش تربیت‌بدنی در سلامت روان و کاهش استرس بود. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که فعالیت‌های حرکتی و بازی‌های گروهی در کاهش تنش، افزایش نشاط و بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان نقش چشم‌گیری دارند. این یافته به‌طور کامل با نتایج پژوهش (Raju, 2024) مطابقت دارد که نشان می‌دهد فعالیت بدنی منظم یکی از مؤثرترین عوامل کاهش استرس و بهبود سلامت روان

است. همچنین یافته‌های پژوهش (Sohrabi, 2019) که بازی‌های آموزشی در تربیت‌بدنی را عامل افزایش مهارت‌های اجتماعی معرفی می‌کند، این نتیجه را تقویت می‌کند.

از سوی دیگر یافته‌ها نشان داد که تحول دیجیتال تأثیر قابل توجهی بر تربیت‌بدنی داشته است. دانشگاهیان و مدیران اشاره کردند که در عصر دیجیتال نیاز به بازطراحی محتوا، آموزش معلمان و به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای ارائه آموزش تلفیقی وجود دارد. این یافته با مطالعه (Makeeva & Кулин, 2024) هم‌راستا است که نشان می‌دهد استفاده از فناوری می‌تواند تعامل و اثربخشی تدریس تربیت‌بدنی را افزایش دهد.

داده‌ها همچنین نشان داد که برای تحقق اهداف سند تحول، بازطراحی برنامه درسی تربیت‌بدنی بر اساس شایستگی‌های کلیدی ضروری است؛ موضوعی که در پژوهش بین‌المللی (Wisata et al., 2025) نیز تأکید شده است. طراحی برنامه‌های درسی باید بر مهارت‌های زندگی، سواد حرکتی، سلامت روان، تفکر سالم و مشارکت اجتماعی تمرکز کند؛ امری که سند تحول نیز آن را به‌عنوان مسیر دستیابی به «تربیت تراز» معرفی کرده است (Izadi Garmaseh, 2024).

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر تأیید کرد که رهبری آموزشی مؤثر نقش کلیدی در تقویت تربیت‌بدنی در مدرسه دارد. مدیران مدارس چنانچه رویکرد تحول‌آفرین داشته باشند، قادر خواهند بود فرهنگ مدرسه را در جهت حمایت از فعالیت‌های ورزشی تغییر دهند. این نتیجه با یافته‌های (Naroui, 2024) هم‌خوانی دارد که نشان داد رهبری تحول‌آفرین عملکرد مدارس را در مسیر اهداف سند تحول بهبود می‌بخشد. به‌طور کلی، نتایج تحقیق تأکید می‌کند که تربیت‌بدنی تنها زمانی می‌تواند اهداف سند تحول بنیادین را تحقق بخشد که مجموعه‌ای از مؤلفه‌های نهادی، انسانی، ساختاری، فرهنگی و فناورانه به‌صورت یکپارچه و هماهنگ در کنار هم قرار گیرند. این یافته کاملاً با رویکردهای برنامه‌ریزی کل‌نگر و مدل‌های جهانی توسعه تربیت‌بدنی همسو است.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، محدود بودن حجم نمونه به ۱۲ نفر از خبرگان بود که ممکن است برخی دیدگاه‌های مهم در سطح مدرسه یا مناطق مختلف کشور را دربر نگیرد. محدودیت دیگر، تمرکز پژوهش بر داده‌های کیفی بود که امکان تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد. همچنین به‌دلیل گستردگی موضوع، برخی ابعاد مرتبط با سیاست‌گذاری، فرهنگ سازمانی یا تربیت‌بدنی در مناطق محروم امکان بررسی عمیق‌تر نیافتند. محدودیت‌های زمانی و دسترسی به مدیران و معلمان فعال نیز چالش دیگری بود که روند جمع‌آوری داده‌ها را دشوار کرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با روش‌های ترکیبی یا کمی، میزان تحقق اهداف تربیت‌بدنی را در ابعاد مختلف به‌صورت گسترده ارزیابی کنند. مطالعه تطبیقی بین‌المللی میان الگوهای موفق تربیت‌بدنی و سند تحول بنیادین می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی برای اصلاح سیاست‌گذاری فراهم آورد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی درباره تأثیر فناوری دیجیتال، هوش مصنوعی و ابزارهای هوشمند در تدریس تربیت‌بدنی انجام شود. بررسی نقش محیط خانواده، رسانه‌ها، فرهنگ محلی و تفاوت‌های جنسیتی نیز می‌تواند زوایای مغفول‌مانده تربیت‌بدنی را آشکار سازد.

مدیران مدرسه می‌توانند با بازنگری برنامه‌های داخلی، زمان و فضاها مناسب‌تری برای تربیت‌بدنی اختصاص دهند. معلمان نیازمند دوره‌های توانمندسازی در حوزه‌های مهارت‌های ارتباطی، مدیریت کلاس، تدریس تلفیقی و ارزشیابی چندبعدی هستند. توسعه فضاهای ورزشی، تجهیز مدارس، استفاده از فناوری‌های آموزشی و طراحی برنامه‌های مشارکتی میان نهادهای آموزشی و ورزشی می‌تواند کیفیت تربیت‌بدنی را به‌طور چشم‌گیری ارتقا دهد. همچنین ترویج فرهنگ ورزش از طریق رسانه‌ها و مشارکت والدین می‌تواند نقش مؤثری در تقویت اهمیت تربیت‌بدنی در جامعه ایفا کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Physical education (PE) has increasingly been recognized as a central component of holistic educational development, particularly within contemporary frameworks that emphasize whole-child growth across physical, emotional, cognitive, and social dimensions. In many national systems, including Iran, PE is explicitly conceptualized as part of a broader ecosystem of educational transformation driven by structural, pedagogical, and cultural reforms. The Fundamental Transformation Document of Education (FTD) in Iran presents physical education as a core dimension of the “biosocial–physical sphere,” positioning it as a foundational pillar for student well-being, identity development, and socialization (Vafaei et al., 2017). Despite these conceptual commitments, empirical studies indicate persistent gaps between policy expectations and actual implementation within schools. Several scholars argue that PE remains marginal in classroom practice, suffering from limited instructional time, inadequate facilities, and insufficient pedagogical support (Estajlu et al., 2021; Mahdavi et al., 2015).

The literature consistently highlights the role of PE in facilitating cognitive and socioemotional development. Researchers have shown that physical activity reduces stress, enhances mental health, and supports emotion regulation, making PE not only a subject of physical skill acquisition but a psychological necessity in contemporary schooling (Raju, 2024). Evidence from Iranian studies reinforces these findings, demonstrating that PE promotes student engagement, happiness, and self-expression, while simultaneously cultivating collaborative behaviors and social adaptability (Darvar et al., 2016). However, systemic and structural obstacles—including the absence of specialized teacher preparation, limited institutional coordination, and inconsistent policy interpretation—continue to impede the full realization of these outcomes (Hamidi & Padas, 2021).

From the standpoint of curriculum and instructional design, scholars argue that PE should align with competency-based models of learning rather than merely offering isolated skill practice. International research suggests that modern PE curricula must integrate life skills, emotional intelligence, and cooperative learning to remain relevant within digitally evolving educational systems (Wisata et al., 2025). In the Iranian context, curriculum studies reveal that PE’s conceptual foundations remain underdeveloped, and its representation in textbooks and formal documents is frequently fragmented (Aghamohammadi, 2019). Moreover, the lack of clear assessment frameworks for measuring multi-dimensional PE outcomes creates additional barriers to effective implementation (Zolghadri, 2019).

The role of teachers emerges as a critical element in PE quality. Studies indicate that PE teachers often face challenges in psychological readiness, classroom management, digital pedagogical competence, and inclusive teaching strategies (Liu et al., 2025). Similarly, the increasing diversity of student needs—especially learners with disabilities—necessitates specialized instructional approaches, yet empirical work reveals that most teachers are not adequately trained to adapt PE content for different ability levels (Orhan, 2025). Compounding these pedagogical issues is a lack of professional ethics culture and insufficient continuing education for PE instructors in schools (Salimi, 2015).

Structural limitations also constitute an important barrier. Multiple studies report that schools—particularly in under-resourced regions—lack basic PE infrastructure and equipment, limiting opportunities for meaningful physical engagement (Darvar et al., 2016). Furthermore, national policy documents emphasize collaboration between ministries, sports federations, and media institutions to support PE development, yet existing research suggests that this intersectoral cooperation remains weak and inconsistent in practice (Kashkar & Qasemi, 2020). In addition, teachers and school leaders often hold undervalued perceptions of PE, leading to minimal prioritization of physical activity during the school day (Razavi et al., 2014).

Digital transformation represents another emerging challenge. While global research highlights the benefits of integrating digital tools into PE—such as virtual fitness environments, wearable devices, and video-based feedback—teachers in Iran and many other regions lack adequate training, access, and preparedness to implement such innovations (Makeeva & Кулин, 2024). Despite this, transformational school leadership practices show potential for improving PE implementation by shaping positive organizational climates that support innovation, teacher development, and student participation (Naroui, 2024). Similarly, research on teacher-training programs emphasizes that supportive academic climates strengthen the resilience and professional identity of future PE educators (Panganiban et al., 2025).

Taken together, the literature indicates that the disconnect between policy and practice in Iranian PE arises from a combination of lack of resources, insufficient teacher readiness, conceptual ambiguity, inadequate assessment mechanisms, and gaps in policy coordination. As a result, PE remains underdeveloped relative to the intentions of the Fundamental Transformation Document. Addressing this gap requires an in-depth qualitative investigation of stakeholder perspectives to better understand existing challenges, structural misalignments, and actionable opportunities for reform. Based on this context, the present study aims to analyze the physical education subsystem within the framework of the Fundamental Transformation Document of Education.

Methods and Materials

This study employed a qualitative research design using thematic analysis to explore the current status, challenges, and implementation mechanisms of the physical education subsystem. Participants were selected through purposive snowball sampling and included experts in physical education, members of the FTD drafting committee, senior administrators, university academics, and policymakers. Data were collected through semi-structured interviews, which continued until theoretical saturation was reached. All interviews were transcribed and analyzed using an inductive–deductive coding strategy. Open coding was initially used to identify foundational concepts, followed by axial and thematic coding to cluster data into main themes and subthemes. Data trustworthiness was ensured through member checking, peer debriefing, and triangulation of analytical interpretations. The final results were synthesized into a conceptual model of the PE subsystem within the FTD.

Findings

The thematic analysis yielded ten main themes and thirty subthemes that collectively illustrated a complex network of structural, conceptual, and operational issues affecting the physical education subsystem. Four overarching conceptual domains were developed: (1) the conceptual-value framework, (2) institutional and structural infrastructure, (3) human agency and professional competence, and (4) transformative mechanisms for system improvement.

The conceptual-value analysis indicated substantial ambiguity in the definition and operationalization of PE within policy documents. Participants described a gap between the discourse of holistic education and the practical scope of PE in schools. The institutional infrastructure theme highlighted inadequate facilities, insufficient equipment, and inconsistent policy coordination between educational and sports institutions. The human agency theme emphasized low teacher motivation, limited professional training opportunities, and lack of autonomy in instructional decision-making. The transformative mechanisms theme underscored the absence of robust assessment systems and the lack of a unified roadmap for implementing the FTD's PE objectives.

Across interviews, stakeholders consistently pointed to the discrepancy between national expectations and local school realities, identifying resource constraints, cultural undervaluation of PE, and fragmented policy leadership as central barriers. The themes collectively demonstrated that PE is simultaneously conceptually emphasized yet operationally neglected.

Discussion and Conclusion

The findings illustrate a persistent misalignment between policy aspirations and ground-level enactment of physical education within the school system. Although the Fundamental Transformation Document positions PE as central to holistic student development, implementation remains constrained by structural shortages, insufficient teacher preparation, and an underdeveloped assessment culture. These constraints have resulted in schools treating PE as a secondary subject despite its recognized contributions to psychological well-being, social skill development, and physical health. The conceptual ambiguity surrounding PE further exacerbates these challenges, limiting the coherence of curriculum implementation and teacher practice.

The thematic structure reveals that improving PE requires integrated reforms that simultaneously address institutional capacity, pedagogical development, and leadership strategies. Strengthening teacher education programs, designing culturally responsive curricula, and increasing inter-institutional coordination emerge as priority areas. Digital transformation also offers opportunities for modernizing PE delivery, but this requires targeted professional development and adequate infrastructure. Ultimately, meaningful advancement in PE demands a systemic approach that blends policy clarity, resource enhancement, and sustained cultural change. The study concludes that PE can only achieve its intended role in student development when policy frameworks are translated into actionable, well-resourced, and professionally supported practices. The findings provide a foundation for policymakers and educators to rethink PE within the broader landscape of educational transformation.

References

- Aghamohammadi, J. (2019). Professional Education on the Margins: Analyzing the Reflection of the Goals of the Six Dimensions of Education from the Fundamental Transformation Document in Curricular Texts. *Growth of Social Science Education*, 22(1), 21–16. <https://www.noormags.ir/view/fa/creator/728284>
- Darvar, Z., Ghaderi, A., & Shokohi, S. (2016). The Importance of Sports in Elementary Schools. First National Conference on Physical Education and Sports Sciences, Esfand. <https://www.sid.ir/paper/873993/fa>
- Estajlu, N., Esmkhani, A., Qasemi, A., & Qasemi, M.-H. (2021). Examining the Role of Physical Education and Biology in the Fundamental Transformation Document and the Extent of Its Goals Achieved in Elementary Schools. First National Conference on Applied Studies in Educational Processes, Bandar Abbas. <https://elmnet.ir/article/21170503-5245>
- Hamidi, M., & Padas, D. (2021). Identifying Uncertainties in Physical Education and Student Sports in the Horizon of 2025. *Research in Educational Sports*, 9(22), 47–74. https://res.ssrc.ac.ir/article_1824.html
- Izadi Garmaseh, F. (2024). The Impact of Holistic Teaching Based on the Fundamental Transformation Document of Education on Students' Creativity. Twelfth International Conference on Religious and Islamic Research, Law, Educational Sciences, and Psychology, Tehran. <https://civilica.com/doc/2060418/>
- Kashkar, S., & Qasemi, H. (2020). The Degree of Alignment of National Higher Documents with the Responsibilities and Goals of Sports Organizations and Mass Media in the Development of Women's Sports in Iran. *Studies in Sports Management*, 12(62), 111–134. https://smrj.ssrc.ac.ir/article_1978.html
- Liu, K., Devadason, E. S., & Chen, B. (2025). Psychological Preparation of Physical Education Teachers in Inner Mongolia Before Class. *Environment and Social Psychology*, 10(4). <https://doi.org/10.59429/esp.v10i4.3417>
- Mahdavi, S., Beheshti, M., & Maqsdulu, K. (2015). The Extent of Achieving the Goals of Physical Education Following the Implementation of the Fundamental Transformation Document in Elementary Schools of Golestan Province. First National Conference on Sports Sciences, Professional Sports, and Health Promotion, Gonbad Kavous. <https://www.sid.ir/paper/889733/fa>
- Makeeva, A. A., & Кулин. (2024). Optimization of didactic communication of a physical education and sports teacher in the context of digital transformation of education. *Naučno-pedagogičeskoe obozrenie*. <https://doi.org/10.23951/2307-6127-2024-1-90-98>
- Naroui, M. (2024). The Role of Transformational Leadership in Improving the Performance of Schools in Zahedan in Line with the Goals of the Fundamental Transformation Document of Education. <https://irijournals.ir/journals/06-Psychology/v10-i2-summer03/paper3.pdf>
- Orhan, B. E. (2025). Educators' Perceived Impact of Physical Education and Sports on Children With Special Needs. *Journal of Physical Education*, 36(1). <https://doi.org/10.4025/jphyseduc.v36i1.3619>
- Panganiban, T. D. C., Tagare, R. L., Aquino, J. M., Prevandos, F. G., Mañalac, E. R., Payumo, A., Sinag, J. M., Quibral, J., Longakit, J., García, A., Ballera, J. D., Celestial, E., Setiawan, E., & Lobo, J. (2025). Strengthening Future Educators: How School Climate Shapes Academic Resilience in Physical Education Teacher Education

- Students. *Sportis Scientific Journal of School Sport Physical Education and Psychomotricity*, 11(2), 1-28. <https://doi.org/10.17979/sportis.2025.11.2.11366>
- Raju, A. M. (2024). The Role of Physical Education in Mental Health and Stress Reduction. *Cuestiones de Fisioterapia*, 53(03), 3167–3180. <https://cuestionesdefisioterapia.com/index.php/es/article/view/3170>
- Razavi, M. H., Rouhani, Z., & Ghanbari, A. (2014). An Analysis of Factors Influencing the Enhancement of the Status of Physical Education in Schools. *Journal of Sports Management and Motor Behavior*, 10(11). https://msb.journals.umz.ac.ir/article_833.html
- Salimi, M. (2015). The Components of Professional Ethics of Instructors in General Physical Education Courses at Universities. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 11(2). https://ethicsjournal.ir/browse.php?a_id=304&sid=1&slc_lang=fa
- Sohrabi, T. (2019). Physical education games and social skills: An investigation with Iranian primary school girls. *Issues in Educational Research*, 29(4), 1313–1329. <https://iier.org.au/iier29/sohrabi.pdf>
- Vafaei, R., Fazlollah, S., & Talai Fard, A. (2017). Examining the Attention Given to the Six Dimensions of Education from the Fundamental Transformation Document in the Social Studies Textbooks of the Elementary Level. *Applied Issues in Islamic Education*, 2(3), 131–154. <https://doi.org/10.29252/qaiie.2.2.131>
- Wisata, I. K., Setiawan, I., Gotama, M. R., Munegara, I. M. E. J., & Putra, I. (2025). Design and Development of Physical Education Curriculum. *Jurnal Dimensi Pendidikan Dan Pembelajaran*, 13(S11), 144-152. <https://doi.org/10.24269/dpp.v13isi1.10938>
- Zolghadri, P. (2019). *Pathology of the Physical Education and Health Curriculum in the First Cycle of Secondary Education for Cultural and Educational Model Design* Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University]. https://res.ssrc.ac.ir/article_1868.html